

# اللهم يا الهى و محبوبى و مطلوبى و مقصودى انّ هذا يوم الاول من الرضوان ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسى



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائى" در مرکز جهانى بهائى  
- شماره ۳۹

مکتوب جديد فارسى عمومى که هنوز ارسال نگردیده

هو الله

اللهم يا الهى و محبوبى و مطلوبى و مقصودى انّ هذا يوم الاول من الرضوان قد اتى بفرح و سرور و روح و ريحان فالارياح  
قد هبت و الغيوم فاضت و الشمس اشرقت بفضلک و بسطت ریح الصبا في هذا الربيع البديع على السهول و الحزون  
بفيضک المشكور زراية سندسية ينعكس منها ابداع الوان عبقرية مرصعة بحلل الزهور و الاوراق التي تخطف نظرتها  
الابصار و التسيم رخيم و المعين نمير و الروض انيق و الايك نضير و الغمام مطير و الكوكب منير بفيض جودک و  
عطائك فاصبحت الغبراء خضراء بعنايتک و البسيطة جنة المأوى برحمتک اذ اتى يا الهى يومک الرضوان بعظمة و سلطان  
و كوكبة تملأ الامکان و موكبة من الروح و الريحان و خيم في قطب الآفاق بسطوع انوار الاشرار و ساق جيوشه و بعث  
جنوده الى المشارق و المغرب في قطب الجنان فامتلا قلب احبائك فرحاً و سروراً و انجذبوا بنفحاتک طرباً و حبوراً فقاموا  
على ثنائک شوقاً و توقاً و سقاہم ربهم شراباً طهوراً و لك الحمد يا الهى على ما انعمت و لك الشكر يا منائى على ما اكرمت  
و لك المن يا محبوبى على ما اعطيت الهى الهى انت المقصود فافتح على وجوه احبائك في هذا اليوم المشهود ابواب الفضل  
و الجود و انشر على رؤسهم شراع الهدى في السفينة الحمراء و احشرهم تحت راية الفضل و العطاء و انزل عليهم آية التأييد في  
قطب الانشاء ربّ اجعلهم نجوماً باهرة و سرجاً ساطعة و كواكب لامعة و شهباً ثاقبة حتى يقوموا على خدمة امرک  
بين خلقک و ايقاد نار محبتک في قلوب بريتك و نشر آثارک في بلادک و تربية النفوس في مملکتک فتمتدّ في الارض  
مائدة سمائك و يصبح الامکان جنة الابهى بقدرتک و الغبراء غبطة للخضراء بفيض حکمتک اللهم اجعل احبائك ملائكة  
سمائك في ارضک و اصفیائك حزب ملکوتک في ملکک هذا منتهى امل عبدک الذى خضع لسلطانک و سجد ببابک  
و تذلل لعزتك و اکب بوجهه على التراب لسلطنتک انک انت الکريم الرحيم العزيز الوهاب



ORIGINAL

ای یاران روحانی عبدالبهاء در ایندم که کوکب عید رضوان از مشرق امکان درخشنده و تابان و جهان از وجد و طرب در نهایت روح و ریحان جذب و سرور است وله و حبور و تجلی یوم مشکور شادمانیست و کامرانی روحانیست و وجدانی نغمه و آهنگ است و ترانه چغانه و چنگ از هر جهت آثار فرح ظاهر و از هر سمت انوار جذب و وله باهر یاران الهی در نهایت شادمانی و اصفیاء رحمانی در منتهای کامرانی زیرا یوم خروج اسم اعظمست در عراق از مدینه الله بحدیقه نورا و حضرت مقصود در آن یوم مشهود در نهایت فرح و سرور بودند لهذا اشراق آن بشاشت ملکوت وجود را احاطه نمود و در آن روز فیروز اعلاء کلمه الله بر جمیع امکان گشت

پس ای یاران الهی در این عید مبارک باید کلّ چنان وجد و سروری نمائید که ملکوت وجود را بحرکت آرید لهذا عبدالبهاء ببشارت کبری فائز و نهایت تضرّع و ابتهال را بدرگاه جمال ابدی مینماید که جمیع یاران را بروح و ریحان آرد و سرور و شادمانی بخشد و امیدواریم که در سنه آتیه دوستان حضرت رحمن در بلاد آزاد در نهایت روح و ریحان مشرق الاذکار بنیاد نمائید و بحامد و نعوت جمال مختار و اخلاً مشهوداً قیام کنند و ادای صلاة فرمایند زیرا در عالم عبادت صوم و صلاة دو رکن اعظم شریعت الله است فتور ابداً جائز نه و قصور یقیناً لائق نیست در زیارت میفرماید اسئل الله بک و بالذین استضأت وجوههم من انوار وجهک و اتبعوا ما امروا به حباً لنفسک میفرماید که متابعت احکام الهی منبعث از محبت جمال محبوب و سالک چون مستغرق در بحر محبت الله شود بحرکت شوقیه قیام بر متابعت اوامر الله نماید لهذا ممکن نیست که در قلبی نفحه محبت الله باشد و عبادت حق قیام ننماید مگر در مقامی که سبب فرع و جزع مبغضین شود و فساد عظیم برپا گردد والا مفتون آن جمال ابدی البته دائماً در عبادت حضرت ربوبیت مداومت فرماید

ای یاران الهی عبدالبهاء از فساد اعدا و فتنه مرکز نقض در خطری عظیم است هر واقعه‌ئی که رخ دهد از جزئی و کلی نفسی را متهّم نمائید جمیع از فساد و عناد مرکز نقض است اسئل الله ان يجعله تائباً راجعاً الى العهد و الميثاق والا فسوف یری نفسه فی خسران مبین در این ایام در تصور آنست که اسباب فراری فراهم آرد و از ارض مقدّس بگریزد تا در فتنه بیشتر کوشد و فرارش سبب ازدیاد صدمات و بلایاء این عبد و احبّاء الله گردد آنچه توانست از انواع دسائس و رذائل و فتنه جوئی و شرارت و اغوا و افترا مجری نمود و کوتاهی نکرد چیزی که باقی گذاشته فرار است و حال در صدد آن که عار فرار اختیار کند و سبب ذلت کبری گردد و فتنه عظمی اگر فرصت بدست آورد دقیقه‌ئی در فرار تأخیر ننماید اما تمکّش در فرار مشککست اما در صورت وقوع باید احبّای الهی بیدار باشند و هوشیار و در جمیع جهات مواظب باشند که مبادا رخنه‌ئی در امر الله کند و سبب نشر نفحه کریمه بغضا گردد از بعد از صعود تا بحال آنچه سبب تضییع امر الله بود مجری داشت حال نیت این عمل مکروه مذموم را نیز دارد در این ایام بعضی از نفوس مهمّه تصوّر آن داشتند که بکوشند تا رفع سجن از عبدالبهاء گردد و مقتدر بر آن بودند ولی این عبد در جواب گفت که این قلعه سجن جمال ابهاست قریب بیست و چهار سال جمال مبارک در این زندان بودند لهذا من رهائی از این زندان را نخواهم و طلب نجات نکنم بلکه تجدید سجن را جویانم و بمنتهای آرزو اعظم از آنرا خواهم آن نفوس از این بیان متحیر ماندند مقصد آن بود که بدانند زندان در سبیل یزدان از بهر ما ایوانست و تنگای چاه اوج ماه فی الحقیقه چنین است هذا هو الحقّ و ما بعد الحقّ الا الضلال المبین مرکز نقض را امید چنین است که چون خون این مسجون را هدر دهد میدانی خواهد یافت و جولانی خواهد داد بسّ الظنّ هذا الظنّ انّ بعض الظنّ اثم عظیم سرمستان صهبای میثاق از اهل نفاق بیزارند و مقتبسان نور اشراق از اهل شقاق در کنار بلبل وفا اگر بحدیقه بقا پرواز نماید نفس هوشیار نعیب زاغ و نعیق کلاغ را استماع نخواهد و

وجه ملیح صبیح اگر در پس پرده حجاب رود روی کریه قبیح را هیچ دانائی نظر ننماید مگر نفسی فتنه انگیز و بی عقل و تمیز اعاذکم الله من شرور الناقضین و فساد الناکثین

ای احبای الهی متحد و متفق شوید و بعروة الوثقی میثاق متشبث و در اعلاى کلمه الله سعی بلیغ و جهد جهید بنمائید تا نور حقیقت آفاق امکانرا بتمامه منور نماید و ظلمت بغضا و ضلال بکلی زائل گردد مرکز نقض اگر چنانچه ضررش مجرد باینبعد بود و بغضایش مخصوص باینمظلوم مسجون والله الذی لا اله الا هو که کلهئی در مقابل رسائل شبهات و مفتریات او تکلم نمینمودم ولی چه توان نمود که تحریف کلمات الله نموده و هدم شریعت الله و نقض میثاق الله روا داشته اگر محض ایقاز یاران بکلماتی چند رفع شبهات نمینمودم شریعت الله بکلی از میان میرفت والله الذی لا اله الا هو مجبوراً این کلمات مختصره مرقوم میشود والا اینعبد ابداً راضی بآن نیست که کلمه وهنی در حق اعدا و خویش بر زبان رانم با وجود جمیع این وقایع باز دعا کنم و عجز و نیاز نمایم بلکه از این ملاعب صبیان بگذرد و از ظلم و طغیان راجع شود و تائب گردد و در ظل میثاق درآید والله الذی لا اله الا هو نهایت محبت و مهربانیرا نمایم و از گذشته کلهئی بر زبان نرانم و تکلیفی باو ندارم مگر آنچه تحریف نموده تصحیح نماید باری اس اساس شریعت الله اینست که احبای الهی با جمیع ملل و امم در نهایت مهربانی و مودت و یگانگی و صدق و صفا و وفا معامله نمایند ابداً بر خلاف این اساس متین با نفسی رفتار نمایند مگر نفسیکه صرف بغضا باشد و عمداً هدم شریعت الله خواهد این نفوس ابداً چارهئی ندارند میدانی از برای ایشان نباید گذاشت که جولان نمایند زیرا شهادت حضرت اعلی و شهادت جمیع شهدا و سفک این خونهای مطهر و بلایا و محن و سجن و رزایای خمسین سنه جمال انور را بکلی هدر دهند و بنیان عظیم امر الله را قاعاً صفصفا کنند لهذا باید از این نفوس احتراز نمود و همدم و دمساز نگشت الا ان یتوبوا الی الله ان ربی تواب رحیم و توبه نیز باید صمیمی باشد نه لفظی توبه مظهر نقض اینست که تحریف را تصحیح کند و اقرار بآنچه کرده بنماید و تائب الی الله گردد والا یومی بواسطه حضرت علی قبل اکبر نزد عبدالبهاء آمد و در را بیست و اعتراف بر گناه نمود و عفو خطیئات خواست و اینعبد نیز عفو نمود بعد از چند روز واضح و مشهود شد که این نیز حیل و تزویری بود و مقصد آنکه نفوس را بخفا ملاقات نماید و القاء شبهات کند زیرا احبای الهی احتراز از معاشرت مینمودند مقصود اینست که توبه صمیمی از توبه صنعی باید ممتاز گردد آنوقت قبول شود و علیکم التحیة و الثناء